

## نگاهی به «ترجمان وحی»

و

### گنجینه قرآن پژوهی مرحوم آیت‌الله دکتر محمد صادقی (ره)

حسین علیزاده

#### چکیده

استاد بزرگوار مرحوم آیت‌الله دکتر محمد صادقی تهرانی بدون تردید یکی از چهره‌های تابناک و کم‌نظیر در میان اسلام‌شناسان مجتهد و فقیهان متفکر و مبارز در سده اخیر بود. ایشان به‌ویژه یکی از پی‌گیرترین قرآن‌پژوهان برجسته بود که در طی بیش از نیم قرن تلاش علمی هرگز قرآن کریم را در حاشیه قرار نداده و بلکه آن را متن اصلی و محور همه دروس و تحقیقات و نگارش‌های دینی خود ساخته بود.

آیت‌الله دکتر صادقی علاوه بر تفسیر قرآن کریم (که به چندین شکل مفصل ۳۰ جلدی و چند جلدی و یک جلدی عربی و فارسی منتشر کرد) در سایر علوم و معارف دینی همچون فقه، اصول، حدیث، فلسفه، کلام و ادبیات عرب صاحب‌نظر و در بیشتر آنها صاحب اثر نیز بود. ده‌ها عنوان آثار ارزشمند و ماندگار ایشان در متجاوز از ۸۰ جلد به دو زبان فارسی و عربی، به خوبی گواه سخت‌کوشی و همت والای وی و تفقهی گسترده و عمیق است، آثاری که حاصل عمری تحصیل در نزد بزرگان دین و سپس تحقیق و تدریسی دقیق و پرتوفیق بوده است.

از ویژگی‌های اصلی و ستودنی مرحوم استاد، داشتن عشقی عجیب و وصف‌ناپذیر به قرآن کریم (و نیز پیامبر اکرم(ص) و اهل‌بیت مکرّم آن حضرت) و تأکید شدید و فراوان قولی و عملی بر محوریت قرآن در همه معارف و علوم اسلامی به‌ویژه فقه و عقاید و اخلاق بود تا آنجا که همه زندگی و آثار و آرای ایشان را تحت تأثیر قرار داده و دست‌کم نیم بیشتر آثار مکتوب و تدریس و جلسات ایشان، مستقیماً پیام‌های آیات قرآن و تفسیر و تحقیق و تبلیغ و ترویج آن بوده است.

تدریس روان و جذّاب و نگارش آسان و زودیباب همراه با صراحت لهجه و شجاعتی مثال‌زدنی و پایداری بر آرا و مواضع اصولی از دیگر ویژگی‌های چشمگیر ایشان بود. اما متأسفانه با همه این امتیازات و دیگر مزایا و شایستگی‌ها، ایشان نیز همانند اغلب اندیشمندان مستقل و نوآور دیگر در زمان حیات ظاهری خود نه تنها چنانکه باید قدر ندید و چنانکه شایسته و درخور شأن ایشان بود، تجلیل نشد، بلکه مورد تهمت و آزار و بی‌مهری‌ها نیز قرار داشت ولی عجیب بود که با امیدی سرشار و با روحی حماسی و انقلابی و با صبری شگفت‌آور از میدان بیرون نرفت و همراه هم‌اورد طلبید و سرسختانه و نستوه به جهد و اجتهاد مؤمنانه خود ادامه داد.

امروز بسیار بجا و بایسته است که به جبران مافات، میراث علمی و آثار ارجمند ایشان از ابعاد گونه‌گون موضوع کنکاش‌ها و تحقیق‌ها و مذاقه‌های بیشتر گردد و انواع مقالات و حتی کتاب‌ها و پایان‌نامه‌ها درباره آنها به نگارش درآید تا مورد استفاده هرچه بیشتر طلاب و دانشجویان و سایر فرهنگیان و مخاطبان تشنه قرار گیرد.

از آنجا که ایشان از مترجمان بنام و مطرح قرآن کریم به فارسی نیز بوده و ترجمه فارسی ایشان با عنوان «ترجمان وحی» (به‌ویژه با توضیحات روشن‌گر تفسیری) در حقیقت حاوی چکیده‌ای از آرای قرآن‌شناسانه ایشان است، در این مقاله، ضمن معرفی و بیان ویژگی‌های آن، برخی از مزایا و تعدادی از کاستی‌ها و اشکالات جزئی آن مورد بحث قرار گرفته و تقدیم به روح بلند آن مرحوم گردیده است.

کلیدواژه‌ها: قرآن، قرآن پژوهی، تفسیر، ترجمه و آرای قرآنی

## گزارشی از پیام وحی

نگاهی به کارنامه قرآن پژوهی و ترجمه قرآن استاد دکتر محمد صادقی(ره)

### اشاره

نوشتار حاضر مروری است اجمالی و نگاهی است شتابان بر کارنامه پربار قرآن پژوهی استاد زنده‌باد مرحوم آیت‌الله دکتر محمد صادقی تهرانی و به‌ویژه ترجمه ایشان از قرآن کریم با عنوان «ترجمان وحی».

در آغاز نگاهی کلی به آثار ایشان به‌ویژه آثار قرآنی و ترجمان وحی خواهیم داشت و برخی از ویژگی‌های آثار، آراء و شخصیت آن مرحوم را مرور می‌کنیم. آنگاه با تفصیل بیشتری درباره «ترجمان وحی» ایشان از دیدگاه خودشان و برخی از قرآن‌پژوهان دیگر سخن گفته، در پایان تعدادی از نقاط قوت و ضعف ترجمه را همراه با نمونه‌ای از آن خواهیم آورد. امید که این مختصر یکی از گام‌های آغازین در جهت شناخت و معرفی و ارزیابی بیشتر آثار و اندیشه‌های ارجمند ایشان بوده و به سهم خود مفید افتد.

### کارنامه‌ای پربار در قرآن پژوهی

دانشمند نامدار و استاد عالی‌مقدار، مرحوم آیت‌الله دکتر محمد صادقی تهرانی (۱۳۰۵ - ۱۳۹۰) بدون تردید یکی از چهره‌های تابناک و کم‌نظیر در میان اسلام‌شناسان مجتهد و فقیهان متفکر و مجاهد در سده اخیر بود. ایشان به‌ویژه یکی از سخن‌کوش‌ترین قرآن‌پژوهان و پیگیرترین مفسران برجسته بود که در طی بیش از نیم قرن تلاش علمی، نه تنها هرگز قرآن کریم را در حاشیه قرار نداد، بلکه آن را با جدیت، متن اصلی و محور همه مطالعات، دروس و تحقیقات و نگارش‌های خود ساخت.

با آنکه دکتر صادقی، علاوه بر تفسیر و علوم قرآن در سایر علوم و معارف دینی همچون فقه، اصول، حدیث، کلام و فلسفه اسلامی، تاریخ و ادبیات عربی و اسلامی، صاحب‌نظر و در اغلب آنها صاحب اثر نیز بود اما شگفت اینکه برای هیچ یک از اینها منهای قرآن، ارج و اصالتی قایل نبود و تنها در پرتو قرآن بود که آنها را علم می‌شمرد!

ده‌ها عنوان آثار ارزشمند و ماندگار ایشان در متجاوز از ۱۲۰ جلد به دو زبان فارسی و عربی، به‌خوبی گواه تلاش مستمر و همت والای وی و تفقهی گسترده و باریک‌بینانه است، آثاری که حاصل عمری تحصیل در نزد بزرگانی همچون آیت‌الله بروجردی، امام خمینی، علامه طباطبایی و آیت‌الله شاه‌آبادی و سپس تحقیق و تدریسی دقیق و پرتوفیق بوده و شاگردان فاضل بسیاری را پرورانده است.

از ویژگی‌های اصلی و ستودنی مرحوم استاد، داشتن عشقی عجیب و وصف‌ناپذیر به قرآن کریم (و نیز پیامبر اکرم(ص) و اهل بیت مکرّم آن حضرت) بود. تأکید شدید، فراوان و مکرر قولی و عملی بر محوریت قرآن در همه معارف و علوم اسلامی به‌ویژه فقه و عقاید و اخلاق، از او فقیه و متکلم و مربی سالکی قرآن‌ساخته و همه زندگی و آثار و آرای ایشان را در دایره شمول، نفوذ، جاذبه و تأثیر خود گرفته بود. گمان نمی‌رود نهضت مبارک بازگشت به قرآن در سده اخیر، مبلّغ و مدافع

محققی پرشورتر و پیگیرتر از ایشان به خود دیده باشد! دست کم نیم بیشتر تا سه چهارم آثار مکتوب و درس‌ها و جلسات ایشان، مستقیماً پیام‌های آیات قرآن و تفسیر و تحقیق یا تبیین و ترویج آنها، تدریس جذاب، بیان روان و نگارشی آسان و زودیاب همراه با صراحت لهجه و شجاعتی ستودنی و پایداری بر آرا و مواضع اساسی از دیگر ویژگی‌های چشمگیر ایشان بود، اما درینا که با همه این امتیازات و دیگر مزایا و شایستگی‌ها، ایشان نیز همانند اغلب اندیشمندان مستقل و نوآور دیگر در زمان حیات ظاهری نه‌تنها چندان قدر ندید و چنان‌که باید و شاید و درخور شأن او بود، تجلیل نشد بلکه مورد سوء ظن و بدگویی و بی‌مهری‌ها نیز قرار گرفت و شگفتا که همواره با امیدی سرشار و جرأت و اعتماد به نفس و صبری شگفت‌آور، هرگز از میدان به‌در نرفت و همواره هم‌اورد طلبید و جسورانه و نستوه به جهد و اجتهاد مبارک و مؤمنانه خویش ادامه داد.

\*\*\*

اصلی‌ترین اثر قرآنی دکتر صادقی بدون تردید تفسیر ۳۰ جلدی «الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن والسنة» است که خود آ» را در همان حجم به صورت موضوعی نیز درآورده و به احتمال بسیار محتوای آنها دقیقاً مکرر نبوده و شاید مکمل هم باشند و این البته پس از بررسی و تطبیق بیشتر معلوم خواهد شد. این تفسیر مفصل مورد تقریظ و تشویق استاد ایشان، مرحوم علامه طباطبایی قرار گرفت و به گفته دکتر صادقی، علامه از ایشان خواست که تا پایان یافتن کتاب تفسیر مذکور دست به کار تألیفی دیگر نشود و ایشان نیز چنین کرد.

روش تفسیری الفرقان و المیزان طباطبایی نیز به هم شبیه بوده و هر دو از یک مبنا که همن تفسیر قرآن به قرآن باشد، پیروی می‌کنند و دکتر صادقی نیز پس از المیزان (که آن را بهترین و یا یکی از بهترین تفاسیر می‌دانست)، تفسیر خود را قرار می‌داد و آن را از دیگر تفاسیر برتر می‌شمرد.

از دل الفرقان، چند محصول قرآنی دیگر هم بیرون آمد که انواع چاپ‌های فارسی و عربی و یک جلدی و ۵ جلدی دارند. خلاصه یک جلدی در قطع رحلی است و به نام «البلاغ فی تفسیر القرآن بالقرآن» منتشر شده است. تفسیر ۵ جلدی نیز خلاصه دیگری از الفرقان است و به فارسی است. ترجمه کامل متن عربی نیز در دست انجام است و به قلم یکی از شاگردان فاضل ایشان تا جلد ۱۷ صورت گرفته و هنوز چاپ نشده است.

یک ترجمه تفسیری یک جلدی به نام «ترجمان وحی» هم در سال ۱۳۸۷ ش منتشر شد که می‌توان آن را نسخه فارسی «البلاغ» و حاوی چکیده آرای تفسیری، فقهی و قرآنی مؤلف دانست و معرفی بیشتر آن موضوع اصلی این نوشتار است. علاوه بر اینها برخی دیگر از اهم آثار قرآنی مؤلف به قرار ذیل است:

۱- الفقه المقارن بین الكتاب والسنة که ۸ جلد است و حاصل دروس خارج فقه ایشان و تکمیل و تحریر آن به روش مقایسه‌ای است و می‌توان آن را شرحی مبسوط و استدلالی بر آیات الاحکام همراه با نقد آرای فقهی دیگران دانست و همین‌جا گفتنی است که مرحوم استاد صادقی دایرة ایات الاحکام و تعداد آنها را از اغلب فقیهان دیگر، که آن را حدود ۵۰۰ آیه برآورد کرده‌اند، بسیار بیشتر می‌دانست.

۲- تبصرة الفقها بین الكتاب والسنة که همچون فشرده‌ای از کتاب پیشین و با جنبه مقایسه‌ای کمتر است.

۳- ستارگان از دیدگاه قرآن

#### ۴- حکومت قرآن

۵- آیات رحمانی (در نقد و رد آیات شیطانی سلمان رشدی و ابطال افسانه غرائق درباره وحی)

۶- مسیح(ع) از نظر قرآن و انجیل

۷- قرآن و نظام آموزشی حوزه (چاپ نشده)

۸- قضاوت از دیدگاه کتاب و سنت

۹- نگرشی جدید بر حقوق بانوان در اسلام، که شامل جزوه‌ای از ایشان با عنوان «حقوق زنان از دیدگاه قرآن و سنت» نیز هست که معرفی مفصلی هم به همین قلم، در نخستین بزرگداشت آن مرحوم نگاشته شده است.

۱۰- و سرانجام ۳- ۲ نمونه از رساله عملیه ایشان با عنوان توضیح المسائل نوین که کاملاً متفاوت از سایر رساله‌های عملیه بوده و مشتمل بر آیات قرآنی بسیاری به عنوان مستندات آرای فقهی ایشان است و در حقیقت رساله‌ای فقهی و قرآنی و استدلالی در یک جلد است.

ضمناً بخشی از دیدگاه‌های قرآنی دکتر صادقی در گفت‌وگویی مفصل در سه شماره مجلد فصلنامه قرآنی بینات درج شده است. گفتنی است که مشروح زندگینامه و خاطرات و مبارزات ایشان نیز در حدود ۸۰۰ صفحه در انتظار چاپ است و اینجانب که سال‌ها پیش (حدود سال‌های ۶۷- ۶۶) از سوی بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی، برای خاطره‌گیری در جلسات متعددی خدمت استاد رسیدم، شاهد بودم که بخشی خاطرات و خدمات علمی ایشان، بحث‌ها و مناظرات قرآنی با بسیاری از علمای شیعه و سنی در چندین کشور بوده است. اخیراً خلاصه‌ای از آن زندگینامه و خاطرات در پایان برخی از آثارشان آمده است.

و اینک که در آستانه دومین سال رحلت ایشان، فراخوان مقالات و مراسم بزرگداشتی برای آن مرحوم صورت می‌گیرد، بسیار بجا و بایسته است که به جبران مافات، میراث علمی و آثار ارجمند استاد به‌ویژه آثار قرآنی، از ابعاد گونه‌گون، محور کاوش‌ها و مذاقه‌های بیشتر قرار گیرد و مقالات متعدد و حتی کتاب‌ها و پایان‌نامه‌ها درباره آنها نگاشته شود تا هرچه بیشتر مورد استفاده علاقمندان به مباحث قرآنی و دینی قرار گیرد و امید است که این نوشتار گامی هرچند کوچک در این مسیر باشد.

#### و اما درباره «ترجمان وحی»

چنان که گفتیم این ترجمه تفسیری، یکی از یادگارهای ارجمند آیت‌الله صادقی و در نوع خود خلاصه التفسیری یک جلدی است که نخست با عنوان مرسوم ترجمه قرآن کریم از سوی نشر کلیدر در قالبی زیبا و با کاغذی معطر چاپ و نشر یافت (سال ۱۳۸۲ ش) اندکی بعد به چاپ دوم رسید. سپس با توجه به برخی از ارزیابی‌ها و نقدهای مطرح شده که در ادامه به آن می‌پردازیم، از سوی مترجم و مفسر محترم مورد بازبینی و اصلاحاتی قرار گرفت و این بار در قطعی بزرگ‌تر (وزیری) و با پانویس‌ها و توضیحات تفسیری بیشتر و قابل توجهی از سوی نشر شکرانه (برای بار سوم در سال ۱۳۸۷) عرضه شد.

در اینجا نخست گزیده‌ای از اهم نکات مؤخره مترجم آن که حاوی برخی از دیدگاه‌ها، روش‌ها و مبانی ایشان در ترجمه و تفسیر است را به صورت فهرست‌وار آورده و سپس نکاتی را در ارزیابی افزون‌تر آن تقدیم می‌داریم:

۱- ترجمه قرآن به هر زبان، ضرورتی است انکارناپذیر تا تمام مکلفان از این اقیانوس بیکران رحمت ربانی سیراب گردند.  
۲- ترجمان و بازگردان درست قرآن از ترجمه کتاب‌های دیگر، چه وحیانی و چه غیروحیانی - حتی از تفاسیر قرآن - بس دشوارتر و ظریف‌تر است، و برای انجام آن باید مبانی زیر محقق باشند:  
۱. آشنایی کامل و سیر عمیق در تفسیر تسلسلی و موضوعی قرآن.

۲. قرآن باید به‌گونه‌ای شایسته با کمال باریک‌بینی و حقیقت‌نگری و بدون پیش‌فرض‌ها و انتظارات تحمیلی تنها بر مبانی قرآن با استفاده از ابزارها، لغت‌ها و یافته‌های درونی آیات آن بدون در نظر گرفتن عوامل بیرونی و آرا و اقوال و نظرات تحمیلی این و آن تفسیر شود.

۳. آگاهی دقیق به زبان قرآن براساس تفسیر درونی و زبانی که به آن برگردان می‌شود.  
در تحقق این مبانی، تنها دانستن لغت قرآن و بازگردانش برای ارائه معانی آن کافی نیست. بر این پایه عالمان و شرعمداران اسلامی هم - بدون این مبانی - چندان شایستگی ترجمه قرآن را ندارند و حتی مفسران هم به سختی می‌توانند از پس بازگردان آن برآیند، تا چه رسد به دیگران که به صرف دانستن زبان عربی و زبانی دیگر، به ترجمه قرآن همت می‌گمارند.  
۳- همه تناقضاتی که - چه در تفسیر تسلسلی یا موضوعی و چه در برگرداندن قرآن - پدید آمده، پیامد عدم شایستگی در مراحل تفسیر و ترجمه درست قرآن است، که با ابزارهای بیرونی انجام شده. این ابزارها و علوم و عقول بیرونی که همواره در حال تغییر و تحول و نقض‌هایی می‌باشند، نتیجه‌ای جز تضاد و اختلاف ندارند و بدین جهت استفاده از این عوامل، این کتاب روشن و متین الهی را مجمع تناقضات و تضادهایی وانمود کرده است.

چراکه قرآن از نظر لغت همانند معنایش، غنی‌ترین تعبیرات را در بالاترین مراحل اعجاز بیانی وحیانی و ربانی داراست. برهان، بیان، تبیان، مبین، نور، حجت بالغه و از این قبیل واژه‌های قرآنی، روشنگری کامل و برتر آن را برای ما روشن می‌سازد.

۴- قرآن در کل ابعادش وحیانی است. نزول نخستینش که به چهره‌ای فشرده و بدون الفاظ گوناگون یک‌شبه بر قلب رسول خدا(ص) نازل گردیده «انا انزلناه فی لیلۃ القدر» (۹۷: ۱) و «انا انزلناه فی لیلۃ مبارکة» (۴۴: ۳) در نخستین شب قدر، حدود پنجاه شب پس از بعثت آن حضرت در ماه مبارک رمضان بود.

نزول حروف مقطعه قرآن که رمزهایی هستند ویژه میان خدا و پیامبر که شناخت رمز یا معانی آنها ویژه صاحب وحی است. مگر آنچه از خود قرآن فهمیده شود و یا از صاحب وحی توضیحی درباره آنها به ما برسد.

نزول تدریجی قرآن که برحسب احتیاجات مختلف، آیتی نازل می‌شده است و این تعداد آیات، برای پاسخگویی به احتیاجات طول زمان تکلیف و تقنین کافی است والا پیام نقصان وحی را دربر دارد.

۵- جمع‌آوری قرآن با چهره‌های کنونی نیز وحیانی است. چنانکه می‌فرماید: «ای پیامبر زبانت را به الفاظ وحیانی قرآن با شتاب حرکت مده زیرا گردآوری و جمع‌آوری قرآن (چنانکه مفردات آن) بر عهده ماست ...» (۷۵: ۱۶ - ۱۹).

جمع در هر صورت پس از مفردات است. بنابراین جمع مفردات آیات قرآن که به مناسبت‌های گوناگون نازل شده همچون خود آیات وحیانی و ربانی است. آیاتی از قبیل «انا نحن نزلنا الذکر وانا له لحافظون» (۱۵: ۹) گواهی روشن هستند بر اینکه قرآن در تمام جهات لفظی و معنوی اش برای کل زمان‌ها و کل مکلفان صد در صد تحت‌الحفظ ربانی بوده و خواهد بود. خدا در این آیات با بیش از ده تأکید حفاظت و نگهداری قرآن را تعهد نموده است تا هر گونه تحریف و حتی جابه‌جایی - غیر ربانی - آیات و الفاظ و حرکات و نقاط قرآن را با این تأکیدات و تحکیمات بی‌نظیر محکوم کرده باشد. «وانه لکتاب عزیز لا یاتیه الباطل من بین یدیه ولا من خلفه تنزیل من حکیم حمید» (۴۱: ۴۲)

۶- محققاً این قرآن کتابی است عزیز، چیره و غیر مغلوب که هرگز باطل از گذشته و حال و آینده در او راه ندارد. همچنین مورد بشارت و تأثیر کتاب‌های وحیانی گذشته بوده و در زمان نزولش و پس از آن هرگز خدش‌های بر آن وارد نخواهد شد. ۷- نگارنده پس از شصت و پنج سال کاوش و کوشش بی‌شائبه درون قرآنی برای دریافت معارف وحی آخرین الهی، با تألیف و تفسیر سی جلدی «الفرقان» تنظیم تفسیر موضوعی سی جلدی آن و نیز تفسیر یک جلدی «البلاغ» که مختصر و فشرده تفسیر قرآن به قرآن است (و هر سه به زبان عربی است) و نیز تفسیر ترجمان قرآنی، فارسی و همچنین حدود چهل سال تدریس تفسیر قرآن در حوزه‌های علمیه تهران، قم، نجف، مکه، بیروت، سوریه و پس از تألیف کتب فقهی، اصولی، مقارنات ادیان و کتب فلسفی، عرفانی، عقیدتی، سیاسی و ... در مرحله آخر تحقیقات قرآنی خویش، با احساس مسئولیتی عظیم، این ترجمان صحیح قرآنی را به فارسی فراهم آورده تا برای فارسی‌زبانان حجت و بیانی روشن‌گر و برای سایر ترجمه‌ها - پس از متن عربی قرآن - بنیادی شایسته و بایسته باشد و بررسی‌ها و دقت‌های عمیق که در آن به کار برده شده، در بازگردان قرآن به زبان‌های دیگر به کار می‌آید.

۸- در این ترجمه علاوه بر بررسی‌های بسیار عمیق و دقیق در برگردان قرآن، حتی سیمای وزن و صدای قرآن هم تا اندازه‌ای ممکن رعایت شده است. اعجاز ربانی در آخرین کلمات وحیانی نه تنها از نظر معنا نمودار است، بلکه از نظر لفظ و وزن نیز نشانگر ربانی بودن آن می‌باشد ...

قرآن در سخنی کوتاه و گویا، رساترین بیان است. حتی از نظر موسیقی و وزن لفظی، در لغات و جملاتش نشانه‌های ربانی مشهود است. وزنش نه وزن شعر است و نه نثر، بلکه هر دو و برتر از هر دو است، چنان‌که در توان غیر خدا نیست. وزن و لفظ آن به گونه‌ای با تناسب است و انسجام دارد که گویی معنا در آن تجسم یافته است.

۹- بهترین انعکاس واقعیت‌ها با مناسب‌ترین لغات و عبارات تنها در قرآن است و بس. چنان تناسب و انسجامی در قرآن، به مناسبت جاودانگی آن است برای کل مکلفان در درازای تاریخی و پهنه جغرافیایی تمام جهان. دلالت این لغات و جملات و عبارات در بالاترین حد اعجاز رساننده قطعی مرادات معنا یافت نمی‌شود.

برحسب آیاتی از قرآن مانند «واعتصموا بحبل الله جمیعاً ولا تفرقوا» (۳: ۱۰۳) چنان می‌نماید که بنابر مبانی پیش‌گفته می‌توان با بررسی کامل و دقت شامل در قرآن، دست‌کم به دقت عملی آن دست یافت.

۱۰- همچنین باید گفت تفسیر قرآن به معنای توضیح مبانی پنهان آن نیست، بلکه به معنای استفسار از آن است. مفسر قرآن در تفسیر آن، تنها مفسر از قرآن است، نه مفسر آن، که آیاتی را با استفاده از آیات دیگر - بدون هیچ گونه پیش‌فرض،

علاقه یا انتظار و تحمیل - به منظور تبیین قرآن بایان خود قرآن می‌کاو، با نادیده گرفتن افکار و انتظارات و اقوال غیرمطلق دیگران و تحمیلات علوم بشری (چه دینی و چه غیر دینی) با نظری صائب و راست‌نگر مقاصد الهی را جویا می‌شود. به این ترتیب مفسر قرآن خداست و بس. قرآن خود حاوی کل حقایق و هم بهترین تفسیر حقایق درونی و برونی است. کوشش مفسران برای به‌دست آوردن معارف قرآن بر مبنای دلالت‌های روشن و روشن‌گر قرآن است.

۱۱- در این ترجمه، برای تدقیق هرچه بیشتر و استیفای هرچه کامل‌تر معانی و مفاهیم قرآنی و پرهیز از انقباض یا انبساط نامناسب بر متن عربی در ترجمه فارسی، تمهیداتی در نظر گرفته شده است.

در وهله اول کلمات و عباراتی که در متن قرآن نیستند ولی در ترجمه فارسی باید باشد، با استفاده از قلاب‌ها و کمانک‌ها مشخص شده‌اند. به این ترتیب، تمام کلمات و عباراتی که بین قلاب‌ها و کمانک‌ها وجود ندارند، اصل ترجمه‌اند. اما آنهایی که در میان قلاب‌ها هستند توضیح یا معنی دقیق کلمه یا عبارت پیش از خود را می‌رسانند تا خواننده در دریافت صحیح و درک کامل مفاهیم یاری شود. کلمات و عباراتی که در بین کمانک‌ها جای دارند برای روان‌تر شدن و انسجام لفظی و معنوی بیشتر متن ترجمه آورده شده‌اند.

۱۲- همچنین در سراسر متن ترجمه در جاهای لازم، پانوشته‌هایی برای توضیح مفاهیم پیچیده و دشوار فهم آیات کریمه قرآن افزوده شده‌اند.

در این ترجمان - افزون بر ترجمان پیشین - خط پیش از ترجمه بیانگر پاسخ استخاره‌ها و تفأل‌ها، و در متن پاورقی توضیحات بیشتر و روشن‌تر آمده است و ترجمه، حالت و عبارت روشن‌تری یافته است.

\*\*\*

### نمونه‌ای از نقد و نظرها و ارزیابی‌ها

نخست باید گفت که نوع نگاه مترجم با توجه به مفسر بودن ایشان، در متن اصلی ترجمه هم نگاه تفسیری است مثلاً ترجمه بسم‌الله را (طبعاً در سراسر ترجمه) چنین نوشته‌اند: به نام خدای رحمتگر بر آفریدگان، رحمتگر بر ویژگان، که بدیهی است توضیح رحمتگر عام و خاص (یا همان رحمان و رحیم) مناسب قرار گرفتن در گروه یا پراتز است.

دیگر اینکه در تعداد بسیاری پراتز و گروه برخی نکات توضیحی را در ضمن متن آورده‌اند و این دو ویژگی، ترجمه را کاملاً تفسیری ساخته است. اما نوع سوم از توضیحات و نکات تفسیری ایشان در پانوشته‌ها است که در اغلب صفحات با حروف ریزتر آمده و گاه به حدود ۱۰ - ۸ سطر می‌رسد و همان‌ها که مستقیماً فشرده‌ای از دیگر تفاسیر و آرای قرآن‌پژوهانه مترجم ارجمند است.

اما پیش از ادامه ارائه نکات خود خوب است نگاهی به چند ارزیابی‌ای که تاکنون درباره این ترجمه انجام شده است، بیفکنیم:

۱- در مدت زمانی اندک پس از انتشار چاپ اول ترجمه، آقای محمدعلی سلطانی - یکی از پژوهشگران حوزوی - با عنوان «تأملی در ترجمه‌ای نو از قرآن کریم» در شماره ۸۶ مجله «آینه پژوهش» مقاله‌ای انتشار دادند و با توجه به اهمیت و نو



بودن جنبه‌هایی از این ترجمه، خواهان ارائه نقدها و پیشنهادهای از سوی ترجمه‌پژوهان قرآن، در جهت بهبود ترجمه مذکور شدند و خود نیز نکاتی را متذکر شدند.

۲- حجت‌الاسلام محمدرضا انصاری، قرآن‌پژوه و ارزیاب ترجمه‌های مرکز ترجمه قرآن مجید به زبان‌های خارجی در قم در پرونده ارزیابی این ترجمه نکاتی را مرقوم داشته‌اند که برخی از آنها را از کتاب «بررسی ترجمه‌های امروزی قرآن کریم» نوشته استاد بهاء‌الدینی خرمشاهی (ص ۳۵۳ - ۳۵۲) نقل می‌کنیم: «روانی نسبی و آمدن توضیحات ضروری در ضمن ترجمه و افزودن پاورقی‌های توضیحی بر آن را می‌توان از نقاط قوت نسبی آن به شمار آورد ... ترجمه [آیت‌الله صادقی] همراه با توضیحات کوتاه با نثری معتدل و نسبتاً روان است که این روش بر سراسر ترجمه حاکم است.» ایشان نیز در ادامه برخی اشکالات چاپ اول را متذکر شده و به علت اختلاف در برخی از مبانی و سلیقه‌ها با مترجم، در ارزیابی نهایی، ترجمه را با توجه به «اقوال و آرای شاذ و نادر، درخور توجه» ندانسته است. چنان‌که گفتیم، بعدها ترجمه مورد اصلاح و تکمیل قرار گرفت و شاید نظر ایشان نیز همچون استاد خرمشاهی تعدیل یافته باشد که شرح آن خواهد آمد.

۳- «نگاهی به تازه‌ترین ترجمه فارسی قرآن کریم از دکتر صادقی تهرانی» عنوان مقاله‌ای است از آقای مهندس علی‌اکبر طاهری که اندکی پس از نشر چاپ اول ترجمه در شماره ۱۵ مجله «ترجمان وحی» نوشته‌اند. ایشان نیز که خود از مترجمان قرآن است، برخی از کاستی‌ها را متذکر شده، بر ضرورت یکسان‌سازی تعبیرات در ترجمه آیات و عبارات و نیز مفردات قرآنی تأکید کرده و برخی از اشکالات ترجمه را ناشی از این امر دانسته است و اظهار امیدواری کرده است که نوشتار او «مورد توجه مترجم گرانقدر قرار گیرد و در عرضه بهتر این اثر در چاپ‌های بعدی مؤثر کارساز باشد.»

۴- و اما فعال‌ترین منتقد قرآن‌پژوه استاد خرمشاهی بود که هم در برخی جلسات علمی و هم در دو نوشتار به نقد نسبتاً تفصیلی و اندکی تند و البته محترمانه و مؤدبانه ترجمه پرداخت مفصل‌ترین آنها در کتاب یاد شده وی درباره ترجمه‌های امروزی فارسی قرآن، آمده است. استاد خرمشاهی در نقد خود بر ترجمه ضمن ارائه بیش از ۲۰ نکته و اشکال، در عین حال منصفانه می‌نویسد: «ترجمه‌ای است قابل قبول و در حد بسیاری حتی مقبول، که بر آینه‌اش غبار بعضی لغزش‌ها و احتمالاً قصور و غفلت‌ها نشسته است و به مصداق مَرَاتِ الْمُؤْمِنِ مَرَاتِ الْمُؤْمِنِ منتقدان در صدد غبارزدایی برمی‌آیند ... اما انصاف را باید گفت [که] در اصل خالی از استواری نیست و مجموعاً حاکی از انس عمیق و مدید با قرآن است.» (ص ۳۵۴ مأخذ یاد شده) سپس استاد خرمشاهی در پایان ارزیابی خود تحت عنوان «دو نمونه از ترجمه عالمانه استاد دکتر صادقی تهرانی»، این نمونه‌های موفق‌تر از ترجمه را آورده است و ستوده است:

۱. در ترجمه «وَقَدْ مَكَرُوا مَكَرَهُمْ وَعِنْدَ اللَّهِ مَكَرُهُمْ وَإِنْ كَانَ مَكَرُهُمْ لِيَتْرُولَ مِنْهُ الْجِبَالُ» به درستی چنین آورده‌اند: «و بی‌گمان نیرنگشان را به کار بردند و نیرنگشان تنها نزد خداست هرچند از مکرشان کوه‌ها از جای برکنده می‌شده است» که این را شرطیه گرفته‌اند نه نافی. و این بحث با بسط و تفصیل کامل بین جناب استاد یعقوب جعفری مفسر قرآن و قرآن‌پژوه کوشا، و این بنده در سه شماره (۸، ۱۲ و ۱۳) درگرفت و بنده از همین ترجمه‌ای که از قلم آیت‌الله صادقی هم نقل شد دفاع می‌کردم و در حدود ۴۰ شاهد هم از میان ترجمه‌ها و قول ابن‌هشام و بعضی مفسران دیگر را در تأیید آن آورده بودم.

۲. در ترجمه آیه بسیار بحث‌انگیزی که می‌توان آن را آیه تأویل نامید، آیه هفتم از سوره آل عمران به درستی «الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ» را به «الله» عطف کرده‌اند و ترجمه درست و شیوایی به دست داده‌اند:

«اوست کسی که این کتاب [قرآن] را بر تو فرو فرستاد. پاره‌ای از آن، آیات محکم [صریح و روشن] است (که) آنها مادر (و مرجع تفسیر و فهم) کتابند؛ و (پاره‌ای دیگر از نظر لفظی با آیاتی دیگر) همانندند. پس اما کسانی که در دل‌هایشان انحراف است (روی این اصل ناصل) برای فتنه‌جویی و طلب تأویل آن (به دلخواه خود)، از متشابه آن پیروی می‌کنند (حال آنکه از نظر معنوی با هم متفاوتند). در حالی که تأویل قرآن راجز خدا (کسی) نمی‌داند (و هم‌چنین) پای برجایان در علم (ایمانی) می‌گویند: «ما بدان ایمان آورده‌ایم. همه قرآن (چه محکم و چه متشابه‌اش) از جانب پروردگار ماست و جز خردمندان عمیق کسی متذکر نمی‌شود.» (آل عمران، ۷)

آقای خرمشاهی در کتاب خود در نقد و معرفی ترجمه مورد بحث جمعاً حدود ۲۴ صفحه نوشته‌اند که حاکی از اهمیت موضوع و اهتمام شایسته ایشان است چراکه همین قرآن‌پژوه درباره برخی از ترجمه‌های دیگر با همه اهمیت کمتر از ۱۰ صفحه مرقوم داشته‌اند، همچون ترجمه مرحوم پاینده، ترجمه جلال‌الدین فارسی، ترجمه ممتاز استاد سید جلال‌الدین مجتبیوی، و ترجمه آیت‌الله مکارم.

۵- ارزیابی دیگر، ظاهراً از سوی برخی از کارشناسان و بررسی‌های محترم وزارت فرهنگ و ارشاد بود که مجموعه آنها و برخی دیگر از پیشنهاد‌های دوستان و شاگردان منجر به برخی تکمیل‌ها و تصحیح‌ها از سوی مترجم مرحوم و سرانجام چاپ جدید در هیأتی زیباتر و محتوایی کامل‌تر با عنان «ترجمان وحی» ارائه گردید که نقد و ارزیابی کامل‌تر آن مجال دیگری می‌طلبد و مسلماً اگر به رؤیت منتقدان پیشگفته برسد، نظرشان تعدیل خواهد گشت.

و اما نمونه‌ای از ترجمه

در پایان، اولین و آخرین صفحه ترجمه (یعنی سوره مبارکه حمد و سه سوره مهم آخر قرآن) را به عنوان نمونه‌ای حسن ختام کنیم:

## سوره بقره

این سوره مدنی است و ۲۸۶ آیه دارد.

به نام خدای رحمتگر بر آفریدگان، رحمتگر بر ویژگان

۱. الم.

۲. این (همان) کتاب<sup>۱</sup> است (که) در (حقانیت) آن هیچ شک مستندی<sup>۲</sup> نیست، (و) رهبری است (شایسته و بایسته) برای تقوایندگان.<sup>۳</sup>

۳. کسانی که به غیب (عقلانی و حیانی) ایمان می آورند، و نماز را بر پا می دارند، و از آنچه (از حال و مال) روزیشان دادیم انفاق می کنند.

۴. و کسانی که به آنچه سوی تو فرود آمده، و آنچه پیش از تو فرود آمده، ایمان می آورند. و (هم) ایشان (اند که) به آخرت (هم) آنان یقین می آورند.

۵. ایشان بر<sup>۴</sup> هدایتی از (سوی) پروردگارشان (استوار) اند، و ایشان، (هم) اینان رستگار کنندگان (خود و دیگران) اند.

۱. اگر منظور از کتاب، تمامی کتاب‌های و حیانی باشد. این معنا در صورتی صحیح است که «الکتاب» خبر «ذلک» باشد. وجه دیگرش این است که خبرش «لاریب فیه» باشد.

وجه صحیح‌تر این است که هر سه - الکتاب، لاریب فیه، و هدی للمتقین - خبرهای بیابنی «ذلک» و معطوف به یکدیگر باشند.

۲. «ریب» کلاشکی مستند است مگر مستندی غلط که این هم با مستندش قابل قبول نیست.

۳. «هدی للمتقین» این جا دو هدایت فعلی و شأنی را در بر دارد، و «متقین» پذیرندگان پرهیز از بدی‌ها هستند، در برابر دیگران که یا معاندند یا بی تفاوت.

۴. «بر» اینجا اشاره‌ای است به سلطه هدایتی این مؤمنان راستین که هرگز با این اوصاف هفت‌گانه از راه ایمان منحرف و منحرف نخواهند شد.

## سورهٔ اخلاص

### این سوره مکی است و ۴ آیه دارد.

به نام خدای رحمتگر بر آفریدگان، رحمتگر بر ویژگان

۱. بگو: «او خدای یکتا و یگانه است.» (در ذات، اسماء، و صفات و افعالش) ۲. «خدا، (همان) پروردگار بی‌نیاز مطلق است.» ۳. «(هرگز) نژاد و زاده نشد.» (که آفریدگان از ذات او نیستند و او هم آفریده نیست). ۴. «و برای او هیچ‌گاه، هم‌تا و همپایی نبوده است.» (و ازلیت بی‌نیازی مستلزم ابدیت است).

## سورهٔ فلق

### این سوره مکی است و ۵ آیه دارد.

به نام خدای رحمتگر بر آفریدگان، رحمتگر بر ویژگان

۱. بگو: «پناه می‌برم به پروردگار گشایشگر؛» ۲. «از شر آنچه آفریده است؛» (و نه از شر آفرینش که کلاً خیر است) ۳. «و از شر هر شوری، هنگامی که شبانه سوراخ (و پرده‌دری) کند؛» ۴. «و از شر فوت‌کنندگان در گره‌ها؛» ۵. «و از شر هر حسودی هنگامی که حسد ورزد.»

## سورهٔ ناس

### این سوره مکی است و ۶ آیه دارد.

به نام خدای رحمتگر بر آفریدگان، رحمتگر بر ویژگان

۱. بگو: «پناه می‌برم به پروردگار مردم؛» (پناهی فطری، عقلانی، عقیدتی، علمی و عملی و وحیانی) ۲. «(به) مالک و حاکم (بر) مردم؛» (که مالکیت و حاکمیت مطلق تنها مورد پناهی مطلق است) ۳. «(به) معبود مردم.» ۴. «از شرّ وسوسه‌گر بسی فراری و پنهان‌گر؛» ۵. «آن که در درون سینه‌های مردم وسوسه می‌کند؛» (که خود وسوسه‌ای بسیار خطرناک است) ۶. «(خواه) از جنیان و (خواه) انسان!» (و انسان احياناً بدتر از این جنیان است)

۵. در گره خیر که آن را بگسلد، و در گره شر که آن را محکم سازد، و «نفاثات» دو تأکیدش تأکیدی مضاعف در فوت و فن‌هایی مضاعف است در این گسستن و آن محکم‌کردن، که هر دو مضاعف شر است، و از جمله نفاثات جنگی، هواپیماهای جت است که در لغت عربی «الطائرات النفاثة» می‌باشند.  
مقتضای توحید و خداپرستی است.